

# مهاجرت از ایران

## از آغاز تا امروز

دکتر کیومرث فلاحي\*

ایرانیان ساکن آمریکا، ۱۳۷۲، ص ۸۱). از ۲۶۳ نفر مدال آور در المپیادهای علمی بین المللی در این سالها، تنها ۱۸ تن به کشور بازگشته اند و ۹۰ تن در دانشگاههای آمریکا تحصیل می کنند. از هر ۹۶ دانشجوی فرستاده شده به خارج، تنها ۳۰ تن به ایران بازمی گردند (معاون علمی بسیج دانشجویی، ۱۳۸۴). از ۷۶۱ دانشجویی که مدت بورسیه آنان در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ به پایان رسیده است، ۷۲ درصد به کشور بازنگشته اند، (۲۳ درصد سرگرم درس خواندن اند و نزدیک به ۵ درصد آنان به کشور برگشته اند) (جمهوری اسلامی، ۱۸ مهر ۱۳۸۵). این تنها گوشه ای از بحران است. آموزش عالی در جهان شکل تجارت به خود گرفته است؛ دانشگاههای کانادا، استرالیا و نیوزیلند سخت در پی جذب دانشجوی خارجی اند. هر سال دانشگاههای استرالیایی و کانادایی با حضور در دو نمایشگاه اختصاصی دانشگاهی، در شهرهای امارات عربی متحده، با ارزیابی مدارک تحصیلی داوطلبان در محل نمایشگاه، به پذیرش دانشجو می پردازند. دولت استرالیا دستیابی به درآمد ۵۰۰ میلیون دلار از محل

### درآمد:

کوچ سرمایه های انسانی از مسائل و دشواریهای مهم کشورهای توسعه نیافته، رو به توسعه و حتی برخی از کشورهای صنعتی و پیشرفته است. ایران نیز با این واقعیت روبه رو است و در سالهای اخیر معضل فرار مغزها رفته رفته در حال تبدیل شدن به یک بحران اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، به گونه ای که بر پایه برخی یافته ها، زیان سالانه برآمده از فرار سرمایه های فکری از کشور، بیش از ۳ برابر درآمدهای نفتی بوده است (وقوفی، ۱۳۸۰، ص ۸۶). شوربختانه، ایران در زمینه فرار مغزها، در میان ۹۱ کشور رو به توسعه جهان مقام نخست را دارد (معین، ۱۳۸۵)، به گونه ای که نماینده سازمان بین المللی مهاجرت در سمینار «گزارش وضعیت جمعیت جهان» از کوچ سالانه ۱۸۰ هزار تن دانش آموخته ایرانی خبر داده است (اولیایی، ۱۳۸۵). هم اکنون بیش از ۲۴۰۰۰۰ تن از دانش آموختگان ایرانی با مدارک تحصیلی دکتری و مهندسی در آمریکا زندگی می کنند (بررسی وضعیت علمی و فرهنگی

\* عضو هیأت علمی پژوهشکده تعلیم و تربیت

ببرد. ولی باز نکته‌ای مهمتر، در این میان نهفته است: فاجعه کوچ سرآمدان تنها با گریز مغزها از کشور به گونه فیزیکی به پایان نمی‌رسد؛ نکته بنیادی، پاگیری اندیشه گریز و گرایش درونی به رفتن و کوچیدن از میهن است، زیرا کوچ ظاهری، مسئله‌ای ریشه‌ای نیست. شمار کوچندگان بالقوه و مجازی اگر چه در آمارها نمی‌آید، ولی زیان این گونه کوچ بارها بیش از کوچ واقعی است. کوچنده مجازی هر چند در میهن خود حضوری جسمانی و قراردادی دارد، ولی انگیزه نوآوری، مشارکت و تلاش ندارد و چون نمی‌تواند شرایط را بپذیرد یا دیگرگون کند، رفته رفته از جامعه دور می‌شود و چه بسا به گونه عنصری مزاحم و اخلاک‌گر نیز در آید.

بی‌گمان، شرط لازم کوچ، پدید آمدن «انگیزه» کافی است. انگیزه، نیازمند آهنگ بایسته است و کوچنده باید انگیزه و گرایش کافی و توجیه‌پذیر داشته باشد. بنابراین پاشنه آشیل و چشم‌سندیار کوچ در همین شرط نهفته است. اگر انگیزه‌ها و گرایش‌های لازم برای کوچ پا نگردد، پدیده کوچ چه به گونه مجازی و چه به گونه فیزیکی رخ نمی‌نماید، حتا اگر راهی برای رفتن و شرایطی برای کوچ فراهم گردد. گفتنی است که کوچ همیشه پدیده‌ای ناپسند نیست؛ کوچیدن با هدف یافتن فضا یا شرایطی برای بهتر زیستن و آسوده زیستن یا جستجوی دانش و فن و حقیقت یا گریز از خطر و برای نگهداشت جان و آیین، از دیرباز راه و رسم بشر بوده است. دین میهن اسلام نیز بر این موضوع تأکید کرده است. بادر نظر گرفتن همه اینها به روند تاریخی کوچ از

### ○ کوچ سرمایه‌های انسانی از مسائل و

دشواریهای مهم کشورهای توسعه نیافته، رو به توسعه و حتا برخی از کشورهای صنعتی و پیشرفته است. ایران نیز با این واقعیت روبه‌رو است و در سالهای اخیر معضل فرار مغزها رفته رفته در حال تبدیل شدن به یک بحران اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است.

پذیرش دانشجوی خارجی را در دستور کار خود قرار داده است. درآمد آمریکا از جذب دانشجویان خارجی نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار برآورد شده است و این رقم در ردیف پنجم درآمدها از محل صدور خدمات در آن کشور به‌شمار می‌رود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دانشگاهها در کشورهای بلوک شرق، برای دستیابی به درآمد، به پذیرش دانشجوی خارجی روی آورده‌اند. برای نمونه، سرپرستان دانشگاههای پزشکی مجارستان از ۱۰ سال پیش، آشکارا اعلام کرده‌اند که نیاز آن کشور به کادر پزشکی برآورده شده است. آنان تنها راه‌پایایی این مراکز علمی را روی آوردن به مقوله آموزش بعنوان تجارت یافته‌اند و با جذب دانشجویان خارجی، پایایی مراکز علمی خود را ممکن و از تحمیل هزینه اضافی به بودجه عمومی کشور دوری جسته‌اند. بخش بزرگی از هزینه دانشگاههای آنها نیز به کشور ما تحمیل شده است (آصفی، ۱۳۸۴). در جهان امروز، فناوری اطلاعات و ارتباطات، فضایی پدید آورده است که بسیاری از نخبگان فکری حتا نیازی به کوچ فیزیکی از مرزهای قراردادی میهن خود ندارند و می‌توانند با بهره‌گیری از شبکه‌ها و ماهواره‌ها با سراسر جهان در ارتباط باشند. گرچه به ظاهر این پدیده چندان منفی شمرده نمی‌شود، اما فرهنگ چیره کشورهای دولتهایی که به شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های همگانی جهان سمت و سو می‌دهند، مردمان در کشورهای توسعه نیافته را مرعوب و مصرف‌کننده محصولات خود می‌سازد. از این‌رو، نخبگان به ناچار و ناخودآگاه در خدمت کشورهای دارنده سرمایه قرار می‌گیرند. به سخن دیگر، در این فرایند که به آن کوچ مجازی نیز گفته شده است، سامانه‌های اطلاعاتی بین‌المللی سود می‌برند و تهیدستان و کشورهای جنوب بازم بازنده بزرگ خواهند بود.

کوچ فرایندی پیچیده و وابسته به عوامل گوناگون فرهنگی، کاری، اقتصادی، آموزشی، علمی، سیاسی و حتا ایدئولوژیک است. این عوامل دست به دست هم می‌دهند و باعث می‌شوند که فرد از تاریخ و جغرافیای ویژه‌ای که یکسره کیستی و چیستی فرهنگی و اجتماعی او را می‌سازد جدا شود و به جایی دیگر پناه

ایران آمده‌اند. در هزاره سوم، کوهستانیان رشته کوه‌های «زاگرس» و «ایلامیان» بر این سرزمین فرمان می‌راندند (فره‌وشی، ۱۳۷۶ ص ۵).

یافته‌های تازه در «جیرفت»، تاریخ تمدن ایران را بسی دورتر از آنچه پنداشته می‌شده می‌برد و ایران زمین را خاستگاه آفرینش خط می‌نمایاند. (مجیدزاده، ۱۳۸۷)

بر پایه برخی گمانه‌زنیها، نخستین کوچندگان به ایران از کوچندگان اسکانندیناوی بوده‌اند که بر اثر سرمای سخت به جایگاههای گرمتر کوچیده‌اند و در اروپای مرکزی پراکنده شده‌اند. بر پایه این باور، خاستگاه نخستین کوچندگان هند و اروپایی «شمال آلمان و جنوب دانمارک و دشتهای وسیع این قسمت از اروپاست». (فره‌وشی، ۱۳۷۶ ص ۵)

گروهی از تاریخدانان، مردمان بلندیهای قفقاز را از نخستین کوچندگان به ایران می‌دانند که از پایتترین بخش سیبری به نام «ایرانویچ» (سرزمین آرینها، زادگاه و خاستگاه ایرانیها) به سوی سرزمین تازه کوچیده‌اند.

این مردمان از راه شبانی روزگار می‌گذراندند. سالها پس از آن، این شبانان کوچنده به کشاورزی پرداختند و تمدن درخشان را پی نهادند.

تاریخدانان و نظریه‌پردازان درباره خاستگاه کوچندگان ایران ساز در این نکته همسویند که پیش از کوچ آریاییان به فلات ایران، مردمانی از نژادهای گوناگون و با تمدنهای کمابیش همسان در آن می‌زیسته‌اند که نسلشان با چیرگی تازه واردان به نابودی گراییده و آگاهی چندانی از آنان در دست نیست. در میان این مردمان، ایلامیها تمدنی چشمگیر داشتند که نزدیک به چهار هزار سال پیش از میلادی پیاده شده بود. در میانه هزاره دوم پیش از میلاد، گروههایی از نژاد سفیدپوست از راه جیحون و کوههای قفقاز به فلات ایران سرازیر شدند و آرام آرام در نقاط گوناگون، بویژه در خراسان، همدان، کردستان، آذربایجان و فارس پراکنده شدند. در خراسان پارتیان، در باختر مادها و در فارس نیز پارسیان جای گرفتند. این سه گروه بزرگترین قبیله‌های آریایی بودند و هر یک در بخشی از تاریخ، بر ایران فرمان راندند.

○ بر پایه برخی یافته‌ها، زیان سالانه برآمده از فرار سرمایه‌های فکری از کشور، بیش از ۳ برابر درآمدهای نفتی بوده است. شوربختانه، ایران در زمینه فرار مغزها، در میان ۹۱ کشور رو به توسعه جهان مقام نخست را دارد، به گونه‌ای که نماینده سازمان بین‌المللی مهاجرت در سمینار «گزارش وضعیت جمعیت جهان» از کوچ سالانه ۱۸۰ هزار تن دانش‌آموخته ایرانی خبر داده است.

ایران می‌پردازیم.



### کوچ آریاییان به ایران

از نخستین مردمان در سرزمین ایران و خاستگاه کوچندگان ایران ساز اطلاعات درستی در دست نیست. در این زمینه گمانه‌زنیهای گوناگون وجود دارد.

آریاییها، یعنی نیاکان مردمان از نژاد هند و اروپایی را از نخستین کوچندگان به ایران می‌دانند که چه بسا کمابیش در ۱۸۰۰ پیش از میلاد از شمال خاوری به سوی فلات ایران سرازیر شده‌اند و جای اقوام و ساکنان پیشین را گرفته‌اند.

یافته‌ها و کاوشها در «انار» و «تپه حصار» و «ری» در شمال ایران و «تپه گیان» در نهاوند و نیز یافته‌ها در «شوش» و «تپه موسیان» و «تخت جمشید» نشان از فرهنگ و تمدن پرشکوه و درخشان مردمان این سرزمین دارد که در هزاره سوم پیش از میلاد زندگی می‌کرده‌اند. در هزاره دوم، یعنی در دوران مفرغ، مردمانی در این سرزمین می‌زیسته‌اند که پیکر مردگان خود را در درون پاریز سنگهای بسیار بزرگ به نام گورهای «مگالیتیک» به خاک می‌سپردند که نمونه‌های آن در کوهستانهای باختر ایران به دست آمده است. بی‌گمان نیاکان مادها و پارسها در همین دوران به فلات

## کوچ در ایران پیش از اسلام

بدین سان، کوچندگان در سرزمین ما پا گرفتند و تمدنی در خشان پدید آوردند که باستان شناسان پیشینه آنرا از پنج تا یازده هزار سال می دانند و همه پژوهندگان و تاریخ نویسان ایران را خاستگاه یکی از دیرینه ترین تمدنهای بشری به شمار می آورند.

پس از دستیابی کوروش بزرگ به بابل، بسیاری از یهودیان به ایران کوچیدند که میان آنان به چهرههایی نام آور مانند «دانیال نبی»، «حبقوق نبی»، «استر» و «مردخای» بر می خوریم.

پس از یورش اسکندر گجسته به ایران، بسیاری از لشکریان او در ایران ماندند و با ایرانیان در آمیختند. در دوران سلوکیان نیز این وضع ادامه یافت.

گزارشهای شاهنامه فردوسی گویای ازدواج گروهی از ایرانیان و یونانیان بویژه در فارس و اصفهان است. برای نمونه، فردوسی در جایی از جشن ازدواج دختران ایرانی با سربازان اسکندر سخن رانده است:

ببستند آذین به شهر اندرون

لبان پر ز خنده، دلان پر ز خون

در دوران اشکانیان مسیحیان گریخته از امپراتوری روم به ایران پناهنده شدند و در دوران خسرو یکم انوشیروان گروهی از زبندگان و دانشمندان رومی به ایران آمدند و پایه گذار بیمارستان گندی شاپور و نحلههای فلسفی شدند.

از کوچ ایرانیان به آنسوی مرزها در دوران پیش از اسلام، آگاهیهای چندانی در دست نیست، ولی آثار به دست آمده در تورفان و ترکستان گویای کوچ مانویان به آن سامان است، همچنین با توجه به گسترش آیین مهر در اروپا و نیز سیاست زرتشتی گرایی ساسانیان، چه بسا برخی از پیروان این آیین، از ایران کوچیده باشند.

مردمان «کرواسی» نیز خود را از بازماندگان کردهای ایرانی می دانند که به بالکان کوچیده اند.

در دوران خسرو انوشیروان، «سیف بن ذی یزن» از پادشاهان خاندان «حمیری»، برای رهایی عربستان جنوبی از دست اندازی حبشیان، از امپراتور بیزانس و

دربار ایران کمک خواست که به روایت تاریخ طبری کشتیهای ایرانی برای کمک او به آن دیار شتافتند و حبشیان را در هم شکستند و اخراج کردند. (تاریخ طبری، ج اول، صص ۵۵۹-۵۵۸)<sup>۱</sup>

این ایرانیان در یمن ماندند و در آغاز اسلام پرچمدار خدماتی شدند و هنوز «احرار» (آزادگان) خوانده می شوند.

پس از کشتار مزدکیان، بازماندگان و پیروان این آیین رو به گریز نهادند و از ایران کوچیدند. «شهرستانی» در کتاب «الملل و النحل»، بر این باور است که: سلمان فارسی (روز به پور مرزبان) در شمار کوچندگان مزدکی گریخته از بیداد ساسانیان بوده است.

## کوچ به هند در دوران پس از اسلام

می روم وز سر حسرت به ققامی نگرم (حافظ)  
پس از فتح ایران در دوران اسلامی، گروهی از ایرانیان بویژه شماری از ساسانیان و کسانی که هنوز به آیین زرتشتی باور داشتند به هند و چین گریختند و روشن است که صنعتگران و هنرمندان نیز در میان آنان بسیار بوده اند.

○ هم اکنون بیش از ۲۴۰۰۰۰ تن از دانش آموزان ایرانی با مدارک تحصیلی دکتری و مهندسی در آمریکا زندگی می کنند. از ۲۶۳ نفر مدال آور در المپیادهای علمی بین المللی در این سالها، تنها ۱۸ تن به کشور بازگشته اند و ۹۰ تن در دانشگاههای آمریکا تحصیل می کنند. از هر ۹۶ دانشجوی فرستاده شده به خارج، تنها ۳۰ تن به ایران بازمی گردند. از ۷۶۱ دانشجویی که مدت بورسیه آنان در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ به پایان رسیده است، ۷۲ درصد به کشور بازنگشته اند.

از کوچ ایرانیان به هندوستان تاریخ درستی در دست نیست. تنها رساله کوتاهی به نظم به نام «قصه سنجان» در دست است که سراینده آن «بهمن کیقباد» پسر «دستور هرمزد» یار «سنجانا» از خاندانی دانشمند بوده است. (پور داوود، ۱۹۲۶، ص ۲) «جکسون» خاورشناس نامدار آمریکایی نوشته است: زرتشتیان در ۷۱۶ میلادی یعنی ۶۵ سال پس از کشته شدن یزدگرد سوم (به دست آسیابانی در مرو) وارد سنجان شدند. دومین دسته زرتشتیان کوچنده نیز ۶۰ سال پس از آن در ۷۷۵ میلادی به گروه نخست پیوستند. (پور داوود، ص ۹) از علتهای بنیادی کوچ زرتشتیان به هندوستان پس از پیروزی اعراب، این بود که نمی توانستند آیین خود را تبلیغ کنند. (فرهنگ مهر، ۱۳۴۸، ص ۶)

پس از شکستهای پیاپی ساسانیان در نبردهای قادسیه و نهاوند بسیاری از زرتشتیان به خراسان رفتند. به نوشته پور داوود، پس از چندی مسلمانان به کوهستانهای خراسان رخنه کردند و زرتشتیان به جزیره هرمز شتافتند.

ابا دستور و بهدین یگانه

به سوی شهر هرمز شد روانه

در آن کشور چو شان آمده و پنج

ز دروندان<sup>۱</sup> کشیده هر یکی رنج

در جزیره هرمز نیز از لشگریان عرب به تنگنا افتادند و ناچار به سوی هندوستان کشتی راندند.

زن و فرزند در کشتی نشانند

سوی هند کشتی تیز راندند

چو کشتی سوی هند آمد یکایک

به دیب<sup>۲</sup> افتاد لنگر وار بی شک

در آن بودند بهدین نوزده سال

شده آخر منجم زد یکی فال

ستاره شناسان و موبدان صلاح دیدند که از آن سرزمین بگذرند و به دیار گجرات در آیند. ناگزیر کشتیها به دریا انداخته، بادبانها برافراشته، روانه شدند. پس از چندی دریانوردی، دچار کولاک سختی گردیدند. همه دست ستایش به سوی خداوند بلند کردند و به دل گرفتند که اگر از مهلکه جان به در برند و به کنار رسند، آتش بهرام برافروزند. دعاها بر آورده شد و تلاطم دریا

فرو نشست.

ز یمن آتش بهرام فیروز

از آن سختی همه گشتند بهروز

هنگامی که کشتی کوچندگان زرتشتی توفان دریا را پشت سر گذاشت و به کرانه سنجان (شهر کوچکی در گجرات) رسید، نماینده ای از ایرانیان نزد «راجای» (شهریار هند) که «جادی راند» نام داشت، رفت و در خاک او پناهگاهی خواست. (پور داوود، ۱۹۲۶، ص ۵)

راجای گجرات نخست از دیدن پوشش و ابزارهای جنگی ایرانیان به هراس افتاد و آنان را خطری برای تخت و تاج خود پنداشت ولی نماینده زرتشتیان کوچنده به او اطمینان داد که از آنان گزندى به ملک او نرسد و به گاه نیاز نیز در کنارش خواهند بود:

همه هندوستان را یار باشیم

سر خصمانت را برجا بپاشیم

یقین دانی که ما یزدان پرستیم

برای دین ز دروندان برستیم

راجا، از کیش و آیین آنان پرسید و هنگامی که مطمئن شد این کوچندگان تازه مردانی زندگی ساز و انسان نوازند، به ایشان اجازه ماندن داد ولی شرطهایی گذاشت که ویژه کشورهای مهاجرپذیر در سده های گذشته بود:

۱- به زبان ایرانی سخن نگویند،

۲- ز نشان به لباس زنان هندوان در آیند،

۳- ابزارهای جنگی را از خود دور کنند،

۴- شب هنگام، مراسم عروسی فرزندان خود را به جای آورند،

۵- از کشتن گاو و خوردن گوشت آن بپرهیزند،

۶- از تبلیغ آیین زرتشتی خودداری کنند. (پور داوود،

ص ۹)

که دستور زرتشتی همه این شرطها را پذیرفت. از شرایط ماندن کوچندگان زرتشتی در سرزمین تازه این بود که از آنان خواستند چون هندوان برای فرزندان خود در ۶ یا ۷ سالگی جشن عروسی برپا کنند. به نوشته موبد بزرگ «مرجی رانه» در سیصد سال پیش، ایرانیان به «ناگمندال» (Nagmandal) رسیدند و آنجا را مانند ساری

○ آموزش عالی در جهان شکل تجارت به خود گرفته است؛ دانشگاه‌های کانادا، استرالیا و نیوزیلند سخت در پی جذب دانشجوی خارجی اند. دولت استرالیا دستیابی به درآمد ۵۰۰ میلیون دلار از محل پذیرش دانشجوی خارجی را در دستور کار خود قرار داده است. درآمد آمریکا از جذب دانشجویان خارجی نزدیک به ۱۲ میلیارد دلار برآورد شده است و این رقم در ردیف پنجم درآمدها از محل صدور خدمات در آن کشور به شمار می‌رود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دانشگاهها در کشورهای بلوک شرق، برای دستیابی به درآمد، به پذیرش دانشجوی خارجی روی آورده‌اند.

در جریان کوچ ایرانیان به هندوستان و چین پس از یورش اعراب، عیسویان ایران نیز به هر جا که توانستند کوچ کردند. در سده هفتم میلادی گروهی از کلدانیان ایران از راه بصره به هندوستان پناه بردند که پژوهشگران نوشته‌ای به خط پهلوی بر روی صلیبی در نزدیکی شهر «مدرس» را بهترین یادگار حضور عیسویان ایران در هند می‌دانند. هنوز بازماندگان این کوچندگان مسیحی ایرانی در «مدرس» زندگی می‌کنند که آنان را از سیمایشان می‌توان شناخت. کوچندگان عیسوی ایرانی در کوه «کن هری» نزدیک بمبئی سنگ نبشته‌هایی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

در سده نهم میلادی (۲۴۰ یزدگردی) سنگ گوری در شهر «سیان» چین یافته شد، مربوط به دختر یکی از بزرگ زادگان ایرانی، که در زمان یورش اعراب به چین پناهنده شده است. (ناتل خانلری، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۷۵) پس از برچیده شدن دولت ساسانیان، زرتشتیان سه گروه شدند: شماری اسلام آوردند؛ گروهی به کیش

مازندران خوش دیدند و آنرا «نوساری ناگمندال» خواندند.

## ایرانیان در چین

در همان روزگاران، گروهی نیز به سوی چین رهسپار شدند که در سالنامه‌های شهر «کانتن»، «پایتخت ایالت کوانگ تونگ»، (در جنوب پایتخت) از وجود مهابای (موبد) نام برده شده است. در تاریخ مسعودی از حضور زرتشتیان و آتشکده‌هایی چند در چین یاد شده است. به باور پورداود، شاید اینان همان زرتشتیانی باشند که همراه پسر یزدگرد به چین رفته‌اند و سالنامه‌ها از آنان خبر می‌دهد.

پس از مرگ یزدگرد سوم که «ایرانیان دسته دسته جلای وطن می‌کردند»، گروهی به سرپرستی «پیلوسه» (Pilousse)، (پرویز) به تخارستان، که در آن هنگام متعلق به چین بود، پناهنده شدند و در ۶۶۲ میلادی امپراتور او را بعنوان شاه ایران شناخت. دو سال پس از آن پرویز به چین رفت و از سرداران محافظ ویژه امپراتور شد و در ۶۷۷ در جایی به نام «چانیگان» آتشکده‌ای ساخت و در همان سال در گذشت. پس از مرگ پرویز، پسرش «نی نیسه» (NI Nisse)، (نرسی)، به خدمت امپراتور درآمد. پس از چندی این شاهزاده با لشگری برای باز ستاندن تخت و تاج نیاکان خود به سوی ایران پیش راند ولی به علت اختلاف نظر با سردار چینی که همراه سپاهیان بود کاری از پیش نبرد و ناچار در ۷۰۷ به چین بازگشت و در دربار امپراتور به خدمت پرداخت.

از دلایلی که برای توجه ایرانیان به چین و کوچ به آن دیار پس از یورش اعراب بر شمرده‌اند، نامه منوچهر موبد موبدان فارس و کرمان در سده نهم میلادی به برادر جواتر خود «زادسپرم» موبد موبدان یسرکان است که از بدعت‌هایی که در دین گذاشته شکایت کرده و نوشته است: «با این ننگی که تو در خاندان ما گذاشتی باید من فرار

کرده به چین بروم.» (پور داوود، ص ۱۰)

آوازه و اعتبار کوچندگان ایرانی در چین در آن هنگام، بهتر از شأن و موقع ایرانیان در هندوستان بوده است که حضور شهزادگان کوچنده ایرانی در چین علت آوازه آنان تواند بود.

قبیله‌های عرب از باختر و جنوب باختری و طایفه‌های ترك زبان از خاور و شمال خاوری به درون فلات ایران آغاز شد و آمیختگی قومی و فرهنگی تازه‌ای پدید آمد. فردوسی برآیند این کوچ‌ها را دگرگونی نژادی و زبانی دانسته است:

ز دهقان و از ترك و از تازیان  
نژادی پدید آید اندر میان  
نه دهقان، نه ترك و نه تازی بود  
سخن‌ها به کردار بازی بود

### یورش مغولان و کوچ ایرانیان

در یورش‌های ترکان و مغولان، سرزمین ایران جابه‌جایی‌های جمعیتی بسیار به خود دید. کوچ ایرانیان به هند پس از یورش‌های مغولان و تیموریان، از کوچ‌های گروهی تاریخ است که هر بار، بسیاری از مخالفان دینی و حاکمیت فاتحان برای حفظ جان خود راه کوچ در پیش گرفتند. در یورش مغولان، جدا از مسلمانان، پیروان آیین‌های دیگر نیز آماج تیر و تیغ چنگیز خان و لشکر خونریزش شدند. در این میان بسیاری از زرتشتیان ایران نیز کشته شدند و بازماندگان‌شان به هند گریختند؛ گنجینه‌های دانش و فرهنگ ایران چنان قربانی نادانی و سنگدلی بیابانگردان پیروز شد که برای پژوهشگران تاریخ ایران جز رفتن به هندوستان و بهره‌گیری از اندیشمندان ایرانی کوچنده‌راهی نمانده بود. (بهار، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۱۹۸)

چنگیز سراسر خاک خراسان را به توبره کشید و دو سال پس از آنکه «گرگانج» پایتخت پر آوازه و کهن خوارزم را به چنگ آورد، شهر و همه باشندگانش را یکجا نابود کرد. سرداران مغول که از چهار سو به ایران تاخته بودند، به هر شهر و آبادی که می‌رسیدند، به هیچ موجود جاندار رحمی نکردند. در بی‌یورش مغولان، که به فرهنگ و علوم و کتابخانه‌های ایرانی زبانهایی جبران‌ناپذیر وارد کردند، هزاران اندیشمند و خردورز و صنعتگر و هنرمند و شاعر و پناه‌جوی ایرانی به سوی هند روان شدند. سواي اینان، بسیاری از سران حکومت و وابستگان‌شان نیز به هند گریختند. هر چه چیرگی مغولان بر ایران به درازا می‌کشید،

○ فناوری اطلاعات و ارتباطات، فضای پدید آورده است که بسیاری از نخبگان فکری حتماً نیازی به کوچ فیزیکی از مرزهای قرارداد میهن خود ندارند و می‌توانند با بهره‌گیری از شبکه‌ها و ماهواره‌ها با سراسر جهان در ارتباط باشند. گرچه به ظاهر این پدیده چندان منفی شمرده نمی‌شود، اما فرهنگ چیره کشورها و دولتهایی که به شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های همگانی جهان سمت و سو می‌دهند، مردمان در کشورهای توسعه نیافته را مرعوب و مصرف‌کننده محصولات خود می‌سازد. از این رو، نخبگان به ناچار و ناخودآگاه در خدمت کشورهای دارنده سرمایه قرار می‌گیرند. به سخن دیگر، در این فرایند که به آن کوچ مجازی نیز گفته شده است، سامانه‌های اطلاعاتی بین‌المللی سود می‌برند و تهیدستان و کشورهای جنوب باز هم بازنده بزرگ خواهند بود.

نیاکان خود وفادار ماندند و با پرداخت جزیه در ایران ماندگار شدند؛ بخشی هم که بیشتر از بزرگان پارتی و شاهزادگان بودند به خراسان کوچ کردند. (آبادانی، ۱۳۵۴)

پس از کشته شدن ناجوانمردانه ابو مسلم به دست منصور خلیفه عباسی (۱۳۷ هـ ق = ۷۵۴ م) «سنباد» سردار زرتشتی ابو مسلم فرماندهی بخش بزرگی از لشکریان او را به عهده گرفت که قیام «سنباد» نیز سرکوب شد و لشکریان خلیفه بر سراسر خراسان دست یافتند که مایه آغاز کوچ زرتشتیان به هند شد. در سده‌های آغازین اسلام، کوچ بسیاری از

متعصب سنی مانند سلجوقیان و تیموریان، شیعیان را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند. برعکس، در زمان صفویه برخی پیروان مذهب تسنن و عرفا و نویسندگان سنی تحت فشار قرار گرفته و راهی هند شدند.» (حکمت، ۱۳۵۰، صص ۷۵-۸۵)

«... و مهاجرتهای فردی را کسانی انجام می‌دادند که به طمع مال و منال و کسب نوال به هند روی می‌آوردند و در پناه سلاطین مسلمان قرار می‌گرفتند.» (همان، صص ۷۵-۸۵)

در آن دوران، گذشته از مسلمانان، دیگر اقلیتهای دینی نیز راهی هندوستان و چین و دیگر کشورها می‌شدند. در این میان تیمور لنگ، یورشگر مغول، هنگام برگشت از سرزمینهایی که پایمال سربازان او شده بود، صنعتگران و هنروران برجسته را با خود به سمرقند برد تا پایتخت او را به فضل و هنر بیاریند.

### کوچ ایرانیان به آسیای کوچک (آناتولی)

چون ترا در خانه جای ماتم است

در چنین جایی دلت چون خرم است.

(عطار)

در روزگاری که ایران زمین صحنه خونریزی مغولان بود، شهرهای آناتولی همچون قونیه و قیصریه پناهگاه ایرانیان شد. به هنگام یورش مغولان و آشفته‌بازار ایران و دوران فرار مغزها از مغولان و تیموریان، سلجوقیان روم که ترکان ایرانی شده حاکم بر آسیای کوچک بودند، آن سرزمین را به پناهگاه امن کوچندگان ایرانی گریخته از جنگ مغولان و تاتار بدل کردند. پس از آن، بسیاری از سرآمدان ایران زمین در آناتولی ماندند یا از آن گذر کردند.

در میان آنان، «حضرت مولانا جلال‌الدین بلخی» بود که «مثنوی معنوی» را در قونیه آفرید و شماری دیگر چون شمس تبریزی، سعدی، شمس‌الدین قیس رازی، سراج‌الدین ارموی، سیف فرغانی، ابن بی‌بی، فخرالدین عراقی، شیخ نجم‌الدین رازی، اوحدی کرمانی و سران حروفیان و بسیاری از هنروران و صنعتکاران را می‌توان برشمرد.

بدین سان، فرهنگ ریشه‌دار ایرانی تبدیل به درخت

کوچ ایرانیان به هندوستان نیز بیشتر می‌شد و در گذر صد سال هزاران هزار ایرانی به هند پناه بردند. پس از کوچ شیخ جمال‌الدین گیلی قزوینی، از رهبران و مبلغان اسماعیلیه از قلعه الموت به هند، بسیاری از پیروان این فرقه به هند کوچیدند و پس از مرگ شیخ جمال‌الدین در هند، کوچ پیروان اسماعیلیه با شتاب بیشتری ادامه پیدا کرد.

نزدیک به دوست سال پس از یورش چنگیز به ایران، یکی دیگر از مغولان به نام تیمور لنگ در یک لشکر کشی ۷ساله، هزاران ایرانی را به تیغ سپرد. در هرات از سر مردمان مناره‌ها ساخت (۷۸۲ه) و در اصفهان نیز از هفتاد هزار سر بریده چند مناره بزرگ برپا داشت. وی در هفت سال لشکر کشی به ایران در خراسان و مازندران و شیراز و لرستان و آذربایجان کشتارها کرد و از سر کشتگان مناره‌ها ساخت و همه کتابهای کتابخانه معتبر و بزرگ نیشابور را که بزرگترین کتابخانه در جهان آن روز بود، به آتش کشید.

کشتارهای تیموریان که با نابودی مراکز فرهنگی ایران همراه بود، مایه کوچهای بسیار به هند شد. در یورش دوباره تیمور به ایران (در ۱۳۸۳م) هفتصد تن از سادات علوی همدان که تیمور آهنگ بر انداختنش را داشت به کشمیر پناهنده شدند. رهبر این گروه صوفی «میرسیدعلی همدانی» ملقب به «امیر کبیر» یا «علی ثانی» بود که در کتاب «از همدان تا کشمیر» علی اصغر حکمت به گستردگی از او یاد شده است. کوچیدن عارفان و صوفیان به هند، که از طبقات گوناگون بودند از دیگر کوچهای ایرانیان به هند بود که رنگ و بوی دینی داشت.

کشتار مردمان در سیستان در دوران تیموری، بر شمار کوچندگان ایرانی به هند افزود. مغولان در ایران ماندند، اسلام آوردند و ایرانی شدند اما سختگیری بر سر آمدان و خردورزان کاری همیشگی و مهمترین آن سختگیریهای مذهبی و فضای ناسالم برای شکوفایی شعر و ادب بود.

علی اصغر حکمت در زمینه مهاجرتهای مذهبی ایرانیان نوشته است: «مهاجرتهای گروهی بیشتر مصادف با هنگامی بود که در ایران و عراق دولتهای



دوران عادل شاه هندی، بسامد بیدادگری فرمانروایان محلی در فارس بوده است. (همان، ص ۱۳۳)

کوچ ادیبان و سرآمدان ایرانی به هند، باعث پیدایش سبک هندی در نظم و گسترش زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره شد که تا مدت‌ها بر زبان و ادبیات هند سخت اثر گذاشت. تنها در پنجاه سال نخست سده نوزدهم، کمابیش یکصد شاعر در نواحی گوناگون هند به پارسی شعر می‌سرودند... کسانی چون غالب دهلوی، صهبایی، مؤمن از این دست شاعران بودند. (رادفر، ۱۳۸۳، ص ۱۸)

کوچ نخبگان و خردورزان، پزشکان، شاعران و حقوقدانان ایرانی به هند چنان بوده است که دکتر افشار یزدی به نقل از منتخب التواریخ شمار آنان را در دربار اکبر شاه هندی ۳۸ عارف، ۶۹ دانشمند، ۱۵ حکیم و ۱۶۷ شاعر برمی‌شمرد. (پیشین، ج ۳، ص ۱۱۰)

جدا از گروه صوفیان همدانی، از عارفان سلسله چشتیه، سلسله سهروردیه و گروههایی چون پیروان فرقه نوری بخشی و «شطاربه» نیز به هند کوچ کرده‌اند و از سوی شاهان و درباریان هندی به گرمی پذیرفته شده‌اند. هر دسته و گروه از کوچندگان ایرانی به گسترش باورهای خود می‌پرداختند؛ برای نمونه، صوفیان خانقاه می‌ساختند به گونه‌ای که در سده چهاردهم میلادی نزدیک به ۲۰۰۰ خانقاه در دهلوی وجود داشت که صوفیان نام‌آوری در آنجا پرورش یافتند. (پوردوود، ۱۹۲۶، ص ۲۱۷)

مولانا حیاتی گیلانی، از شاعران به هند رخت کشیده، نخستین بار از «دارالامان هندوستان که نشو و نمادهنده خردمندان است» نام برد. وی به نسبت هموطنی با حکیم ابوالفتح گیلانی که یکی از اعیان آستان سلطنت نشان... جلال‌الدین اکبر پادشاه غازی بود به دربار راه پیدا کرد و صاحب شهرت شد. (عبدالنبی فخرالزمانی قزوینی، ۱۳۰۴، ص ۸۰۹) کلیم کاشانی نیز هند را دارالامان می‌دانست. (کلیم کاشانی، ۱۳۶۲، ص ۲۲)

استقبال شاهان تیموری هند از شاعران ایران چنان بود که برای کوچ کوتاه یا همیشگی شاعران همواره آغوش گشوده داشتند.

تناوری با شاخه‌های بسیار در آسیای کوچک شد که هنوز نمونه‌های آنرا در میان نام‌کویها و شهرها و شاهان و مردمان عادی و در هفتصد سال زبان، ادب و شعر عثمانی و دولت‌داری و هنر و معماری آن منطقه می‌توان دید. پادشاهان عثمانی حتا به گاهی که با ایرانیان در جنگ و ستیز بودند، زبان فارسی را در حوزه‌های ادبی، اداری و سیاسی خود به کار می‌گرفتند. (گزارش گفت‌وگو، ۱۳۸۳، ش ۱۵)

### بر آمدن صوفیان و گریز نخبگان

ز بس سخنسرای ز ایران به هند رفت

دهلی و اگره گشت‌ری و اصفهان هند

(رشید یاسمی)

در دوران فرمانروایی صوفیان بر ایران، کوچ ایرانیان به شهرهای عثمانی و هند فزونی گرفت. در سایه سیاست یکپارچه کردن دین و تعیین تشیع بعنوان مذهب رسمی، بسیاری از سنیان برای نزدیکی به خلیفه عثمانی به شهرهای روم کوچیدند و در جنگهای صوفیان با عثمانیان، هزاران تن از ایرانیان به شهرهای آسیای کوچک و استانبول کوچانده شدند. برای نمونه، سلطان سلیم عثمانی پس از گرفتن تبریز، هزاران تن از صنعتگران و هنرمندان را با خود به سرزمین عثمانی برد و گفت: «می‌خواهم ایران را از هنر خالی کنم.»

صوفیان با پادشاه در گذر ۲۲۸ سال (۹۰۷-۱۱۳۵ هـ.ق) بر ایران فرمان راندند و با سختگیریهای مذهبی، باعث کوچهای بسیار شدند.

شاهان صفوی به ادب فارسی چندان گرایش نداشتند و دولتمردان به پیروی از آنان بر شاعران و هنرمندان سخت می‌گرفتند. کوچیدن مردمان به هند و عثمانی، برآیند این نگرش و روش بود. برای نمونه، کشته شدن مولانا کمال‌الدین متخلص به «بتا» که در کشتار مردمان، به هنگام چیرگی شاه اسماعیل بر خراسان (ایمان، ۱۳۴۹، ص ۹۵)، در کوچ اندیشمندان از آن دیار اثر گذار بوده است.

فشارهای مذهبی شاهان صفوی باعث کوچ سنی مذهبیان به هند شد. (افشار یزدی، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۱۱۰) کوچیدن ده هزار مسلمان از شیراز به هند، در

○ کوچ فرایندی پیچیده و وابسته به عوامل گوناگون فرهنگی، کاری، اقتصادی، آموزشی، علمی، سیاسی و حتّاً ایدئولوژیک است. این عوامل دست به دست هم می دهند و باعث می شوند که فرد از تاریخ و جغرافیای ویژه‌ای که یکسره کیستی و چیستی فرهنگی و اجتماعی او را می سازد جدا شود و به جایی دیگر پناه ببرد.

دریافت. (زرین کوب، ۱۳۷۵، صص ۴۰۶-۴۰۵)  
 به گواهی پژوهشگران، زرفشانیهای پیاپی به پای سرایندگان و نویسندگان و ادب شناسان پارسی گوی باعث شد تا ادیبان بسیاری از شیراز و کاشان و اصفهان و مشهد و تبریز و همدان پس از آموختن ادب فارسی و سرآمد شدن در آن، بازار کساد ایران را رها کنند و راهی هند شوند. از همین رهگذر بود که آرزوی «شکرستان هند» و «شوق سفر به هند» چنان در دلها جای گرفت که کمتر به نامه و نوید نیاز بود و در شعر آن دوران مضمون تازه «شوق سفر هند» پدید آمد که جلوه‌هایی از آنرا در سروده‌های کسانی چون مشرقی، فیاض لاهیجی، صائب تبریزی، حسن بیگ رفیع قزوینی و کلیم کاشانی به خوبی می توان دید. از سویی دیگر، بازتاب بی‌مهری پادشاهان صفوی نیز در شعر همین دوران آشکار است، به گونه‌ای که کسانی چون «آقا صفی صفاهانی» سرزمین ایران را «کشور بی‌رواج» خواندند و آرزوی رفتن به هند کردند یا شاعری چون «میرسنجر کاشانی» با آنکه از هند دلخوش نبود و «حب وطن» در دل داشت، با آوردن عبارت «وسع گنجایی نبودن وطن» در شعرش، خویشتن را شیفته رفتن به هند نشان داد. (صفا، ۱۳۴۲، ج ۱، صص ۴۹۷-۴۸۶)

به هر رو با کوچ سخن سرایان ایرانی، دربار پادشاهان هند دانشگاه و خانه امید شاعران فارسی گو شد و چنانکه گفتیم سبکی نو پدید آمد که اینک «سبک هندی» خوانده

اوج کوچیدن شاعران گمنام و بنام ایرانی به هند چنان بود که به گفته‌ای، شاعران و دانشمندان ایران گروه گروه بدان سامان می رفتند. در کتاب «آیین اکبری» نوشته «ابوالفضل غلامی»، که خود در دربار اکبر شاه مقام صدارت داشته، در میان شاعران دربار دستکم ۵۱ شاعر دارای تبار ایرانی بوده‌اند<sup>۵</sup> (پورداوود، ۱۹۲۶، ص ۲۲۳) از سرشناسترین این شاعران می توان از فخرالدین عراقی، ظهوری ترشیزی، نظیری نیشابوری، حکیم رکناکاشی، صائب تبریزی، طالب آملی، کلیم کاشانی، حزین لاهیجی، واله داغستانی و... نام برد.

گذشته از شاعران، گروهی اهل علم و قلم، بازرگان، پزشک، خطاط، امیر، حقوقدان و فقیه، به هند کوچ کرده‌اند که در زمینه دانش و فرهنگ و اقتصاد هند، بویژه گسترش زبان فارسی نقش بزرگی داشته‌اند.

گفتنی است که در دوران صفویان نزدیک به دوازده هزار بازرگان هندی در اصفهان و بندرعباس به بازرگانی سرگرم بوده‌اند. (K.A. Nizami, OP. CIT. 1974, p335)  
 یکی از سرآمدانی که بخت با او بار نبود و آماج سیاست صفویان و درباریان شد، صائب تبریزی بود که روح حسّاس و نکته بینش آماج تیر بدخواهان قرار گرفت. وی در ۱۰۳۶ هجری قمری با تصمیم به ترک اصفهان، به بهانه بازرگانی، روانه هندوستان شد. صائب عامل رانش از مبدأ و کشش به مقصد تازه را این گونه بیان کرده است:

«دل هر لحظه از داغی به داغ دیگر آویزد  
 چو بیماری که گرداند ز تاب درد بالین را  
 به جای لعل و گوهر از زمین اصفهان صائب  
 به ملک هند خواهد برد این اشعار رنگین را»  
 (فلاحی، ۱۳۸۳، ص ۶۰-۵۹)

هند به سبب ستایش فرمانروایان آن از شعر و هنر، برای شاعران و ادیبان ایران در آن دوران گونه‌ای «سرزمین فرصتها» به شمار می آمد که در آن جبران کمبود محبت پادشاهان صفوی می شد. از برخی تذکرها مانند «تذکره میخانه»، «مآثر رحیمی»، «خزانه عامره»، «مرآت الخیال» و... که در آن دوران در هند نوشته شده، شمار چشمگیر شاعران و فارسی گویان هند و رواج فراوان شعر فارسی را در آن دیار می توان

نبودند. خوشنویسانی چون آقا عبدالرشید و سیدعلی تیریزی از شاگردان میرعماد قزوینی به دربار شاه جهان راه یافتند و لقبهای «جواهر العلم» و «یاقوت قلم» به آنان داده شد.

معمار هنرمند ایرانی «میرزا عیسی شیرازی» تاج محل را در آگره ساخت (جغتایی، ۱۳۵۵، ص ۴۸) و اورنگ پادشاهی «تخت طاووس» را صنعتگر کوچنده‌ای به نام «سعیدای گیلانی» آفرید.

به هر رو، کوچ ایرانیان به هند اثری شگرف بر فرهنگ مردمان در آن کشور بویژه بر سرآمدان هندی گذاشت. ایرانیان ماندگار در هند همواره بخشی از گروه‌های ممتاز و برجسته جامعه به‌شمار می‌رفتند. «رابیندرانات تاگور» شاعر بلندآوازه هندی شیفته فرهنگ ایران بود و خود را ایرانی الاصل می‌خواند. پدر تاگور حافظ دیوان حافظ بود. خانواده معروف «تاناتا» از پارسیان هند، از نخبگان اقتصادی این کشورند و نخست‌وزیر نامدار هند «خانم ایندیرا گاندی» همسر یک پارسی ایرانی به نام فیروز گاندی بود و نام فامیل خود را از او گرفت.

پدر خانم گاندی یعنی جواهر لعل نهرو در کتاب «کشف هند» سخنی در خور تأمل دارد:

«از میان ملت‌ها و نژادهای بسیاری که با هندوستان تماس داشته‌اند و در زندگانی و فرهنگ هند نفوذ کرده‌اند، قدیمیترین و بادوامترین آنان ایرانیان‌اند.» (نهرو، ۱۳۵۵)

بسیاری دیگر از دولتمداران هند در دوران معاصر مانند «مولانا ذاکر حسین» و «مولانا ابوالکلام آزاد» نیز از شیفتگان فرهنگ ایرانی بودند.

همچنین در دوران صفویان برای نخستین بار در تاریخ اسلامی برخی ایرانیان به جهان غرب (اروپا) کوچ کردند. برای نمونه، در دوران شاه عباس یک هیأت ایرانی به اسپانیا فرستاده شد و به دستور شاه یک روحانی نیز برای مراقبت از انجام گرفتن وظایف دینی همراه هیأت بود. با وجود این، یکی از اعضای هیأت به نام «اروج بیگ بیات» دست از تشیع کشید و به کیش کاتولیک درآمد. وی حتا خود را «دون ژوان» نامید و هرگز به ایران بازنگشت (۱۵ خرداد، ش ۶). در دوران شاه سلطان

○ فاجعه کوچ سرآمدان تنها با گریز مغزها از کشور به گونه فیزیکی به پایان نمی‌رسد؛ نکته بنیادی، پاکگیری اندیشه گریز و گرایش درونی به رفتن و کوچیدن از میهن است، زیرا کوچ ظاهری، مسئله‌ای ریشه‌ای نیست. شمار کوچندگان بالقوه و مجازی اگر چه در آمارها نمی‌آید، ولی زیان این گونه کوچ بارها بیش از کوچ واقعی است. کوچنده مجازی هر چند در میهن خود حضوری جسمانی و قرار دادی دارد، ولی انگیزه نوآوری، مشارکت و تلاش ندارد و چون نمی‌تواند شرایط را بپذیرد یا دگرگون کند، رفته رفته از جامعه دور می‌شود و چه بسا به گونه عنصری مزاحم و اخلالگر نیز در آید.

می‌شود. گفتنی است که ادبیات روح آینه زمانه است و شاعران در دوران صفوی نیز دل‌تنگیهای خود و ایرانیان و سببهای کوچ سرآمدان در آن دوران را در سروده‌هایشان آورده‌اند. چند نمونه از این آثار آشکارکننده بیدادی است که بر خردورزان در آن دوران می‌رفته است:

«طالب آملی» ماندنش در ایران را سیاه بختی دانسته و آنجا که خواهان سفر به هند شده، به گذشته خویش پشت کرده است:

«طالب گل این چمن به بستان بگذار

بگذار که می‌شود پریشان بگذار

هندو نبرد تحفه کسی جانب هند

بخت سیه خویش به ایران بگذار»

و «علیقلی سلیم» سبب مهاجرت اجباری خود را تحصیل علم و کمال دانسته است:

«نیست در ایران زمین سامان تحصیل و کمال

تا نیامد سوی هندوستان حنارنگین نشد»

سرآمدان گریخته به هند، تنها شاعران و ادیبان

قمری) پس از پیروزی شاه عباس بر حاکم ارمنستان مرحله دیگری از جذب مغزها و متخصصان به ایران و آشنایی با علوم روز جهان بود. کوچ ارمنیان در سه مرحله انجام گرفت. نخست، کوچاندن «هفتاد هزار نفری» که به «تبعید بزرگ» معروف است. در مرحله دوم کوچ اجباری، پنجاه هزار تن به ایران آورده شدند (۱۰۲۸ هجری قمری) که بیشتر آنان از صنعتگران و استادکاران بودند و به نواحی شمالی ایران منتقل شدند. گروه سوم این تبعیدیان به نزدیکی جلفای اصفهان کوچانده شدند که آنان جز در دوران پادشاهی «شاه سلیمان» وضع به نسبت خوبی داشتند. حضور پر شمار ارمنیان در ایران، سفرهای مبلغان عیسوی را در پی داشت و این رفت و آمدها در آشنایی ایرانیان با فرهنگ روز اروپا اثرگذار بود. انتشار نخستین فرهنگ فارسی به فرانسه و فرانسه به فارسی (در ۱۰۹۶ ه.ق) و نیز انتشار نخستین کتاب دستور زبان فارسی به لاتین در ۱۰۲۳ ه.ق) از پیامدهای این آشنایی بود. نخستین فهرست بندی کتابهای فارسی در اروپا در ۱۰۳۰ هجری قمری در پاریس چاپ شد و نخستین کتاب فارسی که به زبان اروپایی برگردانده شد، ترجمه گلستان سعدی بود که در ۱۰۴۴ هجری قمری در پاریس انتشار یافت. (یگانگی، ۱۳۸۱، صص ۹۱-۹۲) به نوشته دکتر مریم احمدی در کتاب دین و مذهب در عصر صفوی... شاخه تشیع از دین اسلام بعنوان مذهب رسمی اثر فراوانی بر همه زمینه های زندگی فرهنگی ایران به جا گذاشت و پادشاهان صفوی در مشروعیت دادن به حکومت خود از راه پیوند با اسلام از هیچ کوششی فروگذار نکردند و همزمان با آن برای استواری حکومت تشیع، گروهی از فقهای شیعی را که در آن روز گاران در منطقه جبل عامل لبنان یا در احساء و بحرین ساکن بودند، چون «شیخ حر عاملی» و «بهاء الدین عاملی» به ایران دعوت کردند که «علامه مجلسی» از جمله شاگردان ایشان است. (قدیانی، ۱۳۶۸، ص ۲۴۲)

هفت سال فتنه افغان، سبب کوچ بسیاری از ایرانیان شد. گروهی از آنان به عتبات و شهرهای مذهبی عراق رفتند. در دوران نادرشاه قبایل کرد برای رویارویی با

حسین نیز یکی از درباریان به نام «محمد رضا بیگ» که برای گفتگو با فرانسویان در مورد کوتاه کردن دست عربها از مسقط به دربار لویی چهاردهم فرستاده شده بود دست از همه چیز کشید، با یک زن زیبای فرانسوی ازدواج کرد و هنگامی که ناگزیر از ترک فرانسه شد، از بیم کیفر شاه صفوی خودکشی کرد. (پادماگریان و آفاسی، ۱۳۵۰)

### ارمنیان در ایران

ولی سیاست صفویان سوی دیگری هم داشت و آن کوچ پیشه‌وران و هنروران ارمنی به ایران و بویژه اصفهان بود، به فرمان شاه عباس برای آنان محله تازه‌ای در کنار اصفهان به نام «جلفا» ساخته شد، همچنین بسیاری از ارمنیان و گرجیان به روستاهای اصفهان کوچانده شدند. در مورد کوچ ناخواسته ارمنیان به ایران، نصرالله فلسفی در کتاب «شاه عباس اول» نوشته است:

«... شاه برای اینکه شهرهای آباد ارمنستان را، که غالباً خود تسلیم شده بودند، در اختیار ترکان نگذارد تصمیم سخت و وحشیانه‌ای گرفت و اخطار کرد که همه اهالی ارمنستان که در آن سوی ارس هستند باید شهرها و خانه‌ها و دهکده‌های خود را، در روز پس از فرمان شاه ترک کنند و به این سوی رودخانه منتقل شوند و گرنه کشته خواهند شد...» مورخ ایرانی سپس به سر نوشت این «مهاجران اجباری» اشاره می‌کند و می‌نویسد: «پس شاه فرمان داد که سربازان مردم را بر مهاجرت به درون ایران مجبور کنند. سربازان شمشیر کشیده به دهکده‌ها می‌رفتند و کدخدایان را احضار می‌کردند و به سر شاه قسم می‌خوردند که اگر در چند ساعت مردم را کوچ ندهند، سر خود و زن و فرزندانشان بریده خواهد شد. به این ترتیب مردم بیچاره ارمنستان با گریه و زاری و استغاثه به راه افتادند... بیش از ۶۰ هزار خانوار از قصبه‌ها و شهرهایی که بر سر راه سپاه عثمانی بودند به حرکت درآمدند... در راه، این قوم تیره‌روز گرفتار سرمای سخت گشتند و چون غالباً غارت زده و بی‌برگ بودند از سرما آسیب فراوان دیدند و بسیاری از ایشان تلف شدند...».

کوچاندن ارمنیان از نخجوان به ایران (۱۰۱۴ هجری

در «کیلوا» و «هنزوان» پیاده شدند. روسای شش کشتی با هم برادر بودند و رئیس کشتی هفتمین، پدر آنان بود. بر پایه روایتی دیگر، کوچندگان شیرازی از جزیره هرمز، به رهبری علی بن حسن، با همسر و فرزندان و گروهی از همراهان رو به راه نهاده بودند اما به علت اختلاف مذهبی نخواستند به مگادیشو بروند. اینان چون شنیده بودند که در ساحل زنگبار طلا وجود دارد به سوی جنوب رهسپار شدند؛ کاری که سده‌ها پس از آن کوچندگان طلاجوی آمریکا کردند و ایالت کالیفرنیا را هدف قرار دادند. چند کشتی از کوچندگان شیرازی در «بمباسا» و «زنگبار» لنگر انداخت و سرنشینان آنها در نواحی ساحلی جای گرفتند. ولی حسین پسر علی، سفر دریایی خود را بی گرفت تا به سواحل «کیلوا» رسید و با همراهانش این منطقه را برای ماندن برگزید. وی با کمک مسلمانانی به نام «منیری و اباری» توانست جزیره همسایه را به جای توپهای پارچه، به دست آورد. دوز سرزمین تازه را دیوار کشیدند و آن را «کیلوا کیسیوای» نام نهادند. کوچندگان شیرازی که چون همه کوچندگان به سرزمینهای ناشناخته، نگران واکنش بومیان بودند کوشیدند چرخشگاههای مهاجرتی خود در ساحل را به گونه‌ای بسازند تا سیاهان وحشی که بی امکانات دریایی بودند توان یورش به آنرا نداشته باشند. چنین بود که همه کوچ نشینهای شیرازیان در سواحل آفریقای خاوری رو به دریا داشت. این کوچ نشینها در طول ساحل در فاصله نزدیکی از یکدیگر پا گرفتند تا به گاه ضرورت به کمک هم بشتابند. سلطان سلیمان علی، دومین حاکم شیرازی برای گسترش منطقه نفوذ اقتصادی کوچندگان ایرانی، زنگبار و «بمبیا» را ضمیمه «مگادیشو» کرد و بدین سان با پیوستن امیر نشینهای عربی این منطقه به شهرهای شیرازیان، کشور زنگبار گسترش یافت و در سده دهم میلادی از موقع والایی برخوردار شد که نزدیک به سه سده ادامه داشت. ایرانیان به گسترش کشت فرآورده‌های بومی چون میخک و نارگیل و فلفل و برنج و خرید و فروش عاج سرگرم شدند و با جزایر همسایه به داد و ستد پرداختند.

در ۱۵۰۰ میلادی این جزیره به چنگ پرتغالیها افتاد و دوران چیرگی آنان بر جزیره آغاز شد. در ۱۶۹۸

یورشهای ازبکان به شمال خراسان کوچانده شدند که البته سیاستی همیشگی در تاریخ ایران بوده است و نمی توان این دست کوچ اجباری را همچون کوچ سرآمدان دانست. به هنگام لشکر کشی نادر به هندوستان نیز برخی از قبایل یا افراد در هند یا سرزمینهای نزدیک به آن ماندند. «محل شیرازیها» و «محل کلهر» در کابل نشانگر جابه‌جاییهای جمعیتی در آن دوران است.

### کوچندگان ایرانی به آفریقا

کوچ بزرگ ایرانیان به آفریقا به سده دهم هجری قمری بازمی‌گردد. حضور ایرانیان در خاور آفریقا به تشکیل دولت دیربای ایرانیان در زنگبار انجامید.<sup>۶</sup> حضور نسلهای آن کوچندگان در زنگبار و تانزانیای نشانه این کوچ تاریخی ایرانیان است. «... به خاطر حضور ایرانیان در زنگبار آثار و معماری ایرانی مانند [باقی مانده] حمام ایرانی در آنجا به چشم می‌خورد... و کتیبه‌هایی هم به صورت آثار باستانی در آنجا وجود دارد که اشعاری به زبان فارسی بر روی آنها نوشته شده است.» (قادری، ۱۳۷۵، ص ۱۲)

توب بزرگی که در زمان فتحعلی شاه در ساحل زنگبار برپا شده نیز نمایان است و خانواده‌های «مرعشی»ها و «شوشتری»ها هم اکنون در زنگبار به کسب و کار و بازرگانی اشتغال دارند. خاندان شیرازیها در حال حاضر کمابیش از میان رفته‌اند اما ایرانیان از نظر نژادی شناخته شده هستند و خانواده‌های مرعشیها و شوشتریها از آن جمله‌اند. (قادری، ۱۳۷۵، ص ۱۲)

به نوشته یکی از تاریخ نگاران سواحیلی، علی فرزند حاکم شیراز - یا شاید حاکم شیراز - در سال ۹۷۵ هجری به زنگبار کوچ کرده است. برخی از روایات، علت مهاجرت او را «... حبشی بودن مادر وی که (لابد کنیز) بوده است، دانسته‌اند، وی چون مورد طعن و تحقیر برادران خود قرار گرفته بود به سوی سواحل آفریقای شرقی روانه گردید. شاید هم مادرش مشوق او بوده است.» به هر رو بر پایه نوشته «محمی الدین زنگباری»، گروهی از مردمان فارس با هفت کشتی به سواحل باختری آفریقا رفتند و در مناطق نزدیک به هم، از جمله

○ بی گمان، شرط لازم کوچ، پدید آمدن «انگیزه» کافی است. انگیزه، نیازمند آهنگ بایسته است و کوچنده باید انگیزه و گرایش کافی و توجیه پذیر داشته باشد. بنابراین پاشنه آشیل و چشم اسفندیار کوچ در همین شرط نهفته است. اگر انگیزه‌ها و گرایشهای لازم برای کوچ پانگیرد، پدیده کوچ چه به گونه مجازی و چه به گونه فیزیکی رخ نمی نماید، حتا اگر راهی برای رفتن و شرایطی برای کوچ فراهم گردد.

بسیاری از آنان در اروپا گرد هم آمدند و «ادوارد براون» و گروهی از انساندوستان اروپایی را در جرگه خود وارد کردند و به تبلیغ مشروطه خواهی پرداختند و بر ضد استبداد محمد علی شاهی کوشیدند. در همان دوران بود که نخستین روزنامه‌های فارسی زبان تبعیدیان انتشار یافت و علی اکبر دهخدا صاحب لغت نامه معروف در سویس سه شماره «روزنامه صوراسرافیل» و در ترکیه ۱۵ شماره نشریه «سروش» را منتشر کرد و به روشنگری پرداخت.

در دوران جنگ جهانی یکم، انگلیس و روسیه و متفقین تصمیم به تصرف ایران و تقسیم آن گرفتند. این اقدام با ایستادگی آزادیخواهان و میهن دوستان روبه‌رو شد. پس از کشمکشهای بسیار، با پذیرش دربار و دولت بیطرف مستوفی الممالک، گروهی بعنوان کوچنده راهی غرب شدند و دولت مهاجر را برپا کردند. آنان ارتش کوچکی تشکیل دادند و آلمان و عثمانی هم از آنان پشتیبانی کردند. با شکست متحدین، این دولت مهاجر نیز فروپاشید و کوچندگان تا مدت‌ها در اروپا ماندگار شدند. نظام السلطنه، مدرس، محمد علی خان کلوب، میرزاده عشقی از آنان بودند. پس از پایان جنگ و به قدرت رسیدن رضا شاه هر چند گمان می رفت که شماری دیگر به اروپا کوچ کنند، ولی بانرزش رضاخان

سلطان عمان بر پر تغالیها پیروز شد و زنگبار را گرفت و از آن پس، زنگبار کانون بازرگانی عاج و طلا و برندگان آفریقایی گردید.

در ۱۸۶۵ جزیره شیرازیان (زنگبار) از عمان جدا شد و ۱۵ سال پس از آن بر پایه همسازي دو کشور استعماری فرانسه و انگلیس، تحت الحمايه بریتانیا شد و در ۱۹۶۳ به استقلال رسید. (یگانگی، ۱۳۸۱، صص ۴۶۷-۴۶۸)

### کوچ در دوران قاجار

سعدی‌احب وطن گرچه حدیثی است درست  
توان مرد به سختی که من اینجاستم  
(سعدی)

در دوران قاجار پس از شکست ایران از روسها و تحمیل دو پیمان ننگین گلستان و ترکمانچای به کشورمان، موج کوچ از شهرهای از دست رفته آن سوی ارس به ایران آغاز شد. کوچندگان کسانی بودند که دل در گرو میهن داشتند و چیرگی روس را بر نمی تافتند؛ اما چندی نگذشت که وضع باز گونه شد.

گذشته از ایرانیانی که به عتبات عالیات برای تحصیل و تزکیه نفس کوچ می کردند و جدا از بازرگانان توانگر که سرا و دفتری در شهرهای عثمانی داشتند، موج فزاینده‌ای از نیروی کار ایرانی به قفقاز و روسیه روان شد.

به نوشته «باربر» در کتاب اقتصاد ایران، در آن دوران هشتصد هزار ایرانی در ترکیه عثمانی یا آذربایجان زیر سلطه روسیه کار می کردند.

در پژوهش ارزنده دکتر غلامرضا وطن دوست، استاد دانشگاه شیراز، موضوع مهاجرت در ایران و انگیزه‌های آن بویژه در سالهای پایانی سده بیستم مورد ارزیابی قرار گرفته است. (وطن دوست، ۱۳۸۳)

در ۱۹۰۹ میلادی، در گرما گرم مشروطه خواهی و کشاکشهای سیاسی، هنگامی که محمد علی شاه مجلس را به توپ بست و تنی چند از آزادی خواهان را در باغشاه به دار آویخت، مشروطه خواهان در سفارتخانه‌های خارجی در تهران پناه جستند و به کشورهای دیگر گریختند. در میان این روشنفکران، سرآمدانی بودند که

بسیار ناخوشایند و دردناک بود.<sup>۷</sup> پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نیز هسته‌های دانشجویی مخالف پهلوی دوم در آمریکا و اروپا پدید آمد.

کوچ و فرار مغزها پس از انقلاب شتاب گرفت. این بار فرار مغزها با جذب مغزهای هوادار انقلاب همزمان شد که سالیان دراز در کشورهای اروپایی و آمریکا در گستره باورهای خود و در آرزوی حکومتی مردمی، با رژیم پهلوی مبارزه کرده بودند. هر سنگر گیری هواداران انقلاب، به دفع و جذب مغزها در دو سوی مرزها شتاب می‌بخشید. جذب شدگان که بیشتر از دانش‌آموختگان و دانشجویان بودند، گاه می‌کوشیدند آموخته‌های تئوریک خود را در جنگ و گریزهای خیابانی بیازمایند. کم نبودند کسانی از این دست که از درس و کار دست کشیده و برای یاری رساندن به انقلاب به ایران بازگشته بودند.

تجاوز عراق به ایران و جنگ هشت ساله تحمیلی نیز مانند هر جنگی کوچهایی در پی داشت که ابعاد آن هر دو کشور را فرا گرفت. در دوران اشغال خاک افغانستان از سوی نیروهای شوروی و پس از آن میلیون‌ها افغانی به ایران سرازیر شدند، افغانها سه دوره کوچ گسترده به ایران داشته‌اند: از سده نوزدهم و در پی حاکم شدن پشتونها بر آن کشور؛ از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۴ به علت جنگ‌های داخلی؛ و از ۲۰۰۴ تا کنون (اولیایی، ۱۳۸۵). به هر رو، در دوران جنگ کشور ما با امواج پناهندگان افغانی و عراقی روبه‌رو شد، به گونه‌ای که گزارشهای سازمان ملل، ایران را در صدر کشورهای مهاجرپذیر و پناهجوپذیر قرار می‌داد و این معضلی برای کشور ما در آن برهه از زمان بود زیرا از يك سو ایران با پدیده فرار مغزها و سرمایه‌های اقتصادی دست به گریبان بود و از دیگر سو می‌بایست پذیرای صدها هزار عراقی و افغانی که ره توشه‌هایی از دیدمادی (سرمایه) و معنوی (دانش و تخصص) نداشتند، باشد.

### ایران و کوچ سرآمدان

سالهای پس از جنگ جهانی دوم و دوران کنونی را می‌توان دوران کوچ سرآمدان دانست. برای پی‌گیری روند تاریخی این پدیده می‌توان به

○ از شمار کوچندگان ایرانی آمارهای درستی در دست نیست و از ۴ تا ۶ میلیون تن برآورد شده است. ایران دارای بالاترین میزان برون کوچی و درون کوچی و بالاترین رشد شهرنشینی در سایه کوچ از روستا به شهر است و در حالی که مقصدی است برای کوچندگان اقتصادی تا برای دستیابی به زندگی بهتر به ایران بیایند، سالانه ۱۸۰ هزار دانش‌آموخته دانشگاهی به علت‌های گوناگون از این سرزمین کوچ می‌کنند.

و همنوایی او با لایه‌های گوناگون اجتماعی، این کار انجام نگرفت و جای خالی يك کوچ بزرگ در تاریخ معاصر ایران ماند.

### دوران کنونی

روند کوچ سرآمدان از ایران در دوران کنونی را می‌توان بر پایه پژوهشهای انجام گرفته در این زمینه پی‌گرفت. ام‌اپیش از آن‌نگاهی کوتاه به روندهای کوچ در این دوران خواهیم داشت.

در پی انقلاب اکتبر در روسیه و در جریان دو جنگ جهانی بسیاری از شهروندان روسیه و مردمان ارمنستان، قزاقستان، گرجستان و... به ایران پناه آوردند. در میان آنان، متخصصان و هنرمندان و اندیشه‌ورزان بسیار بودند و در زمینه صنعت و هنر (از جمله سینما) و دانشهای گوناگون در ایران اثرگذار شدند. در گرماگرم جنگ جهانی دوم شماری لهستانی نیز از راه شوروی به ایران کوچانده شدند.

در جریان جنگ‌های جهانگیر یکم و دوم و پس از برچیده شدن فرقه دموکرات در آذربایجان و کردستان، گروهی خواسته یا ناخواسته از ایران کوچیدند که سرنوشته پناهندگان به عراق و اتحاد جماهیر شوروی

دانش آموختگان دانشگاهها و متخصصانی را که برای دستیابی به موقعیتهای بهتر اقتصادی و اجتماعی به کوچ روی آورده‌اند دربرگرفته است. اینان، بیشتر آمریکایی و کانادارای عنوان مقصد برگزیده‌اند.

گفتنی است که در این سالها از شمار کوچندگان ایرانی آمارهای درستی در دست نیست و میزان آن از ۴ تا ۶ میلیون تن برآورد شده است. ایران دارای بالاترین میزان برون کوچی و درون کوچی و بالاترین رشد شهرنشینی در سایه کوچ از روستا به شهر است و درحالی که مقصدی است برای کوچندگان اقتصادی تا برای دستیابی به زندگی بهتر به ایران بیایند، سالانه ۱۸۰ هزار دانش آموخته دانشگاهی به علت‌های گوناگون از این سرزمین کوچ می‌کنند. (اولیایی، ۱۳۸۵)

### یادداشت‌ها

۱. تاریخ طبری، ج ۱، صص ۵۵۸-۵۵۹، چاپ قاهره، ۱۳۵۷ هجری، ۱۹۳۹ میلادی، نقل از کتاب ایران و جهان عبدالحسین نوایی، ص ۵۴۲. در لغت‌نامه دهخدا، ج ۸ ص ۱۲۲۴۶ آمده است که چون خسرو انوشیروان از این اقدام سودی نمی‌دید گروهی از جنایتکاران را از زندان سوار کشتی کرد و به فرماندهی «وهرز» به یاری او فرستاد. ولی در منابع دیگر از جمله در «ایران و جهان» از زندانیان با عنوان «زندان سیاسی» یاد شده است.
۲. دروند فقط در ادبیات زرتشتیان به کار می‌رود. در اوستا درگونت (Dregvant) آمده به معنی شیر و خبیث
۳. دیب جزیره‌ای است در خلیج عمان در جنوب شبه جزیره کاتیوار
۴. زهند دیده بد دور، عشرتستان است  
دل شکفته و طبع گشاده ارزان است  
سواد اعظم اقلیم عافیت، هند است  
سراب اینجا سیراب ز آب حیوان است  
چرانگویم، دارالامان حادثه‌اش  
که هند کشتی نوح و زمانه طوفان است  
زهی جهان مروت که گر غریب اینجا  
هزار سال بماند، عزیز مهمان است  
بتر ز خواب پریشان بود خیال وطن  
چنین که خاکش جان‌پرور غریبانست  
سر بریده ز سودای هند خالی نیست

رخدادهای دهه ۳۰ و مسائل آن دوران مانند کودتای ۲۸ مرداد پرداخت که کوچ سرآمدان با انگیزه‌های اقتصادی و سیاسی به اروپا و سپس به آمریکا در پی داشت. اما با توجه به پدیده فرار مغزها در جهان، دهه ۴۰ در ایران سرآغاز گریز سرآمدان از کشور به شمار می‌آید.

در ایران، پدیده کوچ سرآمدان و متخصصان به آنسوی مرزها بعنوان يك آسیب اجتماعی از دهه ۴۰ گسترش یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی، این روند تا پس از پایان جنگ تحمیلی کاهش چشمگیر پیدا کرد اما در سالهای اخیر دوباره گونه تازه و گسترده‌ای از پدیده کوچ سرآمدان به چشم می‌خورد. به هر رو، کوچ سرآمدان در تاریخ معاصر، سه دوره مشخص داشته است:

۱- دهه‌های ۴۰ و ۵۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی که همزمان با باز شدن باب نزدیکی با غرب و سیاستهای اقتصادی و فرهنگی رژیم گذشته همراه با گسترش روحیه اشرافی‌گری در جامعه، افزایش داراییهای نفتی و... بود. این دوران تا انقلاب ادامه یافت و در کنار آن انگیزه دانش‌آموزی و گاه شرایط سیاسی، ۱۲۰ هزار تن را به آمریکا کوچاند. (درآمدی بر خروج نیروهای متخصص، ۱۳۷۹)

۲- در دوره دوم، یعنی سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و نخستین ماههای پس از آغاز جنگ تحمیلی، بیشتر کوچندگان از ناراضیان از انقلاب اسلامی بودند. این روند با بسته شدن دانشگاهها در دوره انقلاب فرهنگی بالا گرفت.

۳- دوره سوم مهاجرت از ۱۳۶۷ آغاز شد و در ۱۳۷۷ شتاب بیشتری گرفت.

در گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی، مهاجرت در این دوره به سه مرحله (موج) بخش بندی شده است: موج نخست: برآمده از شرایط پس از انقلاب اسلامی و کوچ افراد بیشتر به علت وابستگی به رژیم پهلوی یا ترس از پیگرد بوده است.

موج دوم: کوچ به علت جنگ تحمیلی شتاب گرفته و بیشتر جوانان بوده‌اند که با کوچیدن به ادامه تحصیل روی آورده‌اند.

موج سوم: این موج در دهه هفتاد آغاز شده و



- کاشانی، کلیم (۱۳۶۲) دیوان اشعار، تهران: جاویدان  
 - فخر الزمانی قزوینی، عبدالنبی، تذکره میخانه، به کوشش احمد  
 گلچین معانی (۱۳۰۴) تهران: علمی.  
 - فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۹) ایران‌ویچ، تهران: انتشارات دانشگاه  
 تهران  
 - مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار، بی تا، بی جا.  
 - محمد غبار، میر غلام (۱۳۶۸)، افغانستان در مسیر تاریخ،  
 کابل: دانشگاه کابل.  
 - مسائل دانشگاهی، وزارت علوم و آموزش عالی (۱۳۵۰)،  
 تهران.  
 - مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، گفتارهای معنوی، قم: انتشارات  
 صدرا.  
 - ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۴)، تاریخ زبان فارسی، تهران:  
 امیر کبیر.  
 - نهج البلاغه امام علی (ع). ترجمه فیض الاسلام (۱۳۵۵)،  
 تهران: امیر کبیر.  
 - تهری، جواهر لعل، کشف الهمند، ترجمه دکتر محمود تفضلی  
 (۱۳۵۵)، تهران: امیر کبیر.  
 - وقوفی، حسن، فرار مغزها (۱۳۸۰)، بررسی مهاجرت نخبگان  
 از زوایای گوناگون، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی زهد.  
 - یگانگی، اسماعیل (۱۳۸۱)، مهاجرت بزرگ ایرانیان، تهران:  
 نشر علم.  
**ب: پژوهش، پایان نامه**  
 - بررسی وضعیت علمی و فرهنگی ایرانیان ساکن آمریکا  
 (۱۳۷۲)، نیویورک: نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد.  
 - درآمدی بر خروج نیروهای متخصص یا پدیده فرار مغزها  
 (خرداد ۱۳۷۹)، تهران: کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب  
 فرهنگی  
 - فرهنگ مهر، سهم زرتشتیان در انقلاب مشروطیت، بی جا،  
 تهران: ۱۳۴۸  
**پ- مقاله‌ها:**  
 - آصفی، سهیل (۱۳۸۲)، «دانشجوی ایرانی هدف است»، تهران:  
 شرق، شماره ۱۲۹  
 - اولیایی، محمد (۱۳۸۵)، «سمینار گزارش وضعیت جمعیت  
 جهان»، تهران: دانشگاه تهران، ۸۵/۷/۵  
 - رادفر، ابوالقاسم، (۱۳۸۳)، تهران: گزارش گفت‌وگو (مرکز

به حسن معنویت چشم کور حیران است  
 توان بهشت دوم گفتنش به این معنی  
 که هر که رفته از این بوستان پشیمان است  
 کلیم کاشانی، دیوان کامل حکیم، به کوشش مهدی افشار،  
 ۱۳۶۲، ص ۲۲  
 ۵. پنج تن اصفهانی، سه تن کاشانی و دیگران از نیشابور، قزوین،  
 گیلان، همدان، ساوه، مرند، قاین، قم، ری، مشهد، شیراز، سبزوار،  
 تبریز و ترشیز بوده‌اند. کوچهای تاریخی ایرانیان به هند، ص  
 ۲۲۳  
 ۶. شیرازیان مهاجر این جزیره مهاجر نشین را با بهره‌گیری از دو  
 واژه ایرانی زنگ (سیاه) و «بار» به معنی کرانه و ساحل، «زنگبار»  
 نام نهادند. (ساحل سیاه)  
 ۷. با شکست دموکراتها، گروهی به همراه سید جعفر پیشه‌وری  
 به اتحاد جماهیر شوروی گریختند و ده هزار کرد نیز آواره عراق  
 و ترکیه شدند.

### منابع فارسی:

#### الف - کتاب

- ایمان، رحم علی خان (۱۲۲۶ ه.ق)، تذکره منتخب اللطایف،  
 به اهتمام جلالی نائینی، محمد رضا و عابدی، سید امیر حسن  
 (۱۳۴۹) تهران: چاپخانه تابان.  
 - بهار، محمد تقی (۱۳۵۱)، سبک شناسی، تهران، امیر کبیر  
 - پادماگریان، الکساندرو آقاسی، گیورگس (بی تا)، تاریخ سیاسی  
 و اجتماعی ارمنه، تهران: نشر سازمان فرهنگی یاد.  
 - پورداد، ابراهیم (مارس ۱۹۲۶)، ایرانشاه (تاریخچه مهاجرت  
 زرتشتیان به هندوستان)، بمبئی.  
 - حسینی دشتی، سید مصطفی (پاییز ۱۳۶۹)، معارف و معارف  
 (دوره شش جلدی) قم: انتشارات اسماعیلیان.  
 - حکمت، علی اصغر، سرزمین هند، معرفت، تهران، ۱۳۵۰  
 - زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۵)، از گذشته ادبی ایران، تهران:  
 انتشارات بین‌المللی الهدی.  
 - صفا، ذبیح‌الله (۱۳۴۲)، تاریخ ادبیات در ایران، تهران:  
 کتابفروشی ابن سینا.  
 - طالب، مهدی (۱۳۶۹)، چگونگی انجام مطالعات اجتماعی،  
 تهران: امیر کبیر.  
 - طبری، محمد جریر (۱۳۵۷ ه. ۱۹۳۹ م)، تاریخ طبری،  
 چاپ قاهره.

- خلاصه‌ای از آمار آموزشگاهها، کلاسها، دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی، دفتر آمار، برنامه‌ریزی و بودجه (طرح و برنامه) - معاونت برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت (معاونت برنامه‌ریزی و منابع انسانی وزارت آموزش پرورش) اردیبهشت ۱۳۸۲، اسفند ۱۳۸۲ و اسفند ۱۳۸۳

### منابع انگلیسی

- Meyer, J. and Mercy Brown (1999). **Scientific Diasporas, a new Approach to the Brain Drain**. World Conference on Science UNESCO, ISCU 1999.
- Sabbag & Alavi. (1992). "Hith Status of Iranians in U. S. A." **Iranian Studies Journal**. pp. 4-35
- Samith, T. (1995) "How well does Economic Theory Explain International Migration? Conference of immigration. New York.
- Salt, J. (1997), "International Movements of the Highly Skilled". OECD. **Occasional Papers**. No. 3.
- Sami, Mahroum (2002), "Europe and the Challenge of the Brain Drain", [www.jrc.es/iptsreport/vol29](http://www.jrc.es/iptsreport/vol29).
- K.A. Nizami, **Op. cit.** 1974, p. 335

بین‌المللی گفتگوی تمدنها)، سال سوم، شماره ۱۳.  
- فلاحی، کیومرث، (۱۳۸۳)، «آفتاب و ابر»، تهران: گزارش گفت‌وگو (مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها)، سال سوم، شماره ۱۳.

- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۷)، «حیرت: کهنترین تمدن شرق»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۲۵۱-۲۵۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۷.

- وطن دوست، غلام‌رضا، (۱۳۸۳)، تهران: گزارش گفت‌وگو (مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدنها)، سال سوم، شماره ۱۲.

### ت: گزارش و خبر

- جمهوری اسلامی، ۱۸ مهر ماه ۱۳۸۵  
- گزارش گفت‌وگو، سال سوم، شماره ۱۳، مهر و آبان ۱۳۸۳  
- گزارش گفت‌وگو، سال سوم، شماره ۱۵، مهر و آبان ۱۳۸۳  
- گفت‌وگو باریس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۵  
و: اسناد

- باشگاه دانش پژوهان جوان، گزارش شماره ۱۴۲۵، ۸۱/۶/۵  
- باشگاه دانش پژوهان جوان، گزارش شماره ۱۷۱۳، ۸۱/۷/۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی